

بررسی جامعه شناختی تاثیر رسانه و مدرنیته بر خانواده ازدیدگاه جورج زیمل

زهرا طیبی^۱، زهرا مقدسی^۲، شهناز زرین خط^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی آموزش علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان فاطمه الزهرا (س) یزد، یزد، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی آموزش علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان فاطمه الزهرا (س) یزد، یزد، ایران

^۳ استاد دانشگاه فرهنگیان فاطمه الزهرا (س) یزد، یزد، ایران

نویسنده مسئول:

زهرا طیبی

مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی (سال هفتم)
شماره ۲۴ / تابستان ۱۴۰۰ / ص ۴۲-۵۵

چکیده

خانواده از اساسی ترین نهادهای جامعه انسانی است، اما امروزه نقش خانواده ها دچار تغییر شده است و در دنیای مدرنیته امروزی شاهد تغییراتی اساسی در سبک زندگی انسان ها هستیم. مهمترین عاملی که باعث بروز این تغییرات گسترده شده است، رسانه ها هستند. از بین جامعه شناسان جورج زیمل به خوبی مدرنیته و رسانه را در قالب عباراتی همچون آگاهی فردی، مفهوم زندگی بیشتر و بیشتر از زندگی، اقتصاد پولی، حاکمیت عینی و... مطرح کرده است. موضوع مورد پژوهش ما بررسی تاثیر رسانه و مدرنیته بر خانواده با توجه به دیدگاه جامعه شناختی جورج زیمل است. هدف ما از این پژوهش آشنایی با نقطه نظرات زیمل در خصوص تاثیر رسانه و مدرنیته بر زندگی انسان ها است تا از طرفی بتوانیم با تعریف خانواده و عوامل استحکام و موانع استحکام آن آشنا شویم و از طرفی دیگر با شناخت درست از تاثیرات مثبت و منفی رسانه ها بتوانیم میزان استفاده از رسانه ها را کنترل و مدیریت کنیم. روشی که ما در این پژوهش استفاده کرده ایم روش توصیفی تحلیلی با استفاده از روش کتابخانه ای است. در ابتدا به تعریف خانواده و اهمیتش پرداخته ایم، سپس عوامل تحکیم و موانع آن را بررسی کرده و به جامعه پذیری فرزندان به عنوان یکی از مهمترین وظایف خانواده اشاره کرده ایم. در مورد جهانی شدن و گسترش رسانه ها و تاثیر مدرنیته بر سبک زندگی فردی و اجتماعی بحث کرده ایم و نظرات زیمل را در خصوص هر کدام بیان داشته ایم. سپس به توضیح اصطلاحاتی که زیمل در مورد مدرنیته به کار برده است پرداخته ایم. مانند: آگاهی فردی، مفهوم زندگی بیشتر و بیشتر از زندگی، اقتصاد پولی و... و نهایتاً سواد رسانه ای، آثار مثبت و منفی رسانه ها را بررسی کرده و راهکاری جهت مواجهه درست با رسانه ها ارائه داده ایم.

واژگان کلیدی: رسانه، مدرنیته، خانواده، جورج زیمل، گروه، جهانی شدن، آگاهی.

۱- مقدمه

۱-۱ بیان مسئله

ظهور مدرنیته و تکنولوژی های نوین ارتباطی عصر حاضر تحولاتی را در نهاد خانواده و رابطه اعضا به وجود آورده است و بسیاری از کارکرد های خانواده را دچار اختلال کرده است. رسانه با این که در چند دهه اخیر توسعه و گسترش فراوانی داشته است، اما جامعه شناسان پیشکسوت بسیاری به این موضوع پرداختند. که از بین جامعه شناسان، زیمل به خوبی بحث مدرنیته و آثارش را پیش کشیده است و به خوبی مباحثی همچون آگاهی فردی، صورت و تعاملات انسانی، مدرنیته، جهانی شدن، وجدان فردی و مفهوم زندگی بیشتر و بیشتر از زندگی را مطرح کرده است که ارتباط بسیار نزدیکی با دنیای امروز و حاکمیت فرهنگ عینی دارد. همچنین زیمل تحت عنوان شی انگاری، اسیر شدن انسانها در قفس آهنینی که با تولیداتشان ساختند را مطرح می کند و آثار و نتایج مثبت و منفی را برای مدرنیته و رسانه ها بر می شمارد. در حقیقت، رسانه ها منشا تحولاتی هستند که موجب بروز دگرگونی های عمیقی در تعداد، اندازه و صمیمیت گروه شده است، که مهم ترین و متاثر ترین گروه، گروه خانواده است؛ که از همان ابتدا فرد در آن متولد می شود و طی فرآیندهایی جامعه پذیر شده و با ارزش ها و هنجار های جامعه خود آشنا می شود. اما رسانه ها باعث می شوند افراد با حجم زیادی از اطلاعات مواجه شوند و دچار سردرگمی در شناخت و کسب هویت متناسب با شرایط و ویژگی های شخصیتی خود شوند. خانواده متعادل و سالم خانواده ای است که طی رابطه صمیمی که بین اعضا وجود دارد، از انواع رسانه ها در جهت تقویت ارزش ها و هنجار های گروه استفاده می کند، و با کسب و تقویت سواد رسانه ای در جهت رشد و تعالی خانواده گام بر می دارد؛ تا خانواده بتواند به نحو مطلوبی از آثار نامطلوب مدرنیته و رسانه ها در امان بماند و از طرفی نیز رسانه ها را در جهت رشد و ارتقا خانواده و جامعه خویش به کار می برد.

۱-۲ اهداف و اهمیت پژوهش

خانواده از بنیادی ترین نهاد های جامعه انسانی شناخته شده است که بر دیگر نهاد های جامعه تاثیر می گذارد و از طرفی دیگر نیز تاثیر می پذیرد. در مقاله حاضر به بررسی تاثیرات مدرنیته و رسانه ها بر خانواده با توجه به نقطه نظرات جورج زیمل پرداخته ایم. که موضوع جدید و جالبی محسوب می شود؛ چرا که زیمل به بررسی زندگی در کلانشهرهای مدرن و آثار و نتایجش پرداخته و تاثیرش را بر روابط میان افراد و گروه ها بررسی کرده است. در حقیقت خانواده یکی از متاثر ترین گروه های حاضر در جامعه است که در طول تاریخ شاهد تغییراتی بوده است اما همچنان با وجود تغییرات پیش آمده بر حفظ و تداوم خانواده سالم توجه زیادی می شود. خانواده یکی از مهم ترین واحد های اجتماعی است که با وجود تغییرات و تنوعات شکلی، همواره واجد نقش بنیادی در زندگی فردی و اجتماعی انسان بوده است. کاهش کارکرد های خانواده در قرون اخیر از اهمیت خانواده نکاسته و این واحد همچنان در صدر گروه هایی قرار دارد که تامین نیاز های ارتباطی، عاطفی و تربیتی فرد را به عهده دارد. (تبریزی، ۱۳۹۸، ۱۶۸) از طرفی نیز تاثیر رسانه ها بر سبک زندگی افراد و خانواده ها امری ملموس و محسوس است؛ چرا که گسترش انواع رسانه ها، بر اندازه و تعداد اعضای گروه خانواده، جهان بینی افراد، و حتی میزان صمیمیت اعضا و ... موثر بوده است. انسانها در رسانه ها با جهانی بدون مرز رو به رو می شوند که از فراسوی مرزها با انواع فرهنگ ها آشنا می شوند. اما از طرفی همانطور که زیمل می گوید انسانها قادر به انتخاب و تصمیم گیری آگاهانه هستند. و اگر روابط اعضای خانواده با یکدیگر صمیمی و گرم باشد و نیاز های عاطفی اعضا درون محیط امن خانه و خانواده بر طرف شود در این صورت افراد به رسانه ها برای جبران این خلا پناه نمی برند و می توانند استفاده مطلوب تری در جهت رشد و ارتقای خود از رسانه ها داشته باشند. در دوره معاصر که در نقاط گوناگون جهان، شاهد رشد روز افزون رسانه ها هستیم، لازم است به مفهوم مدرنیته، جهانی شدن و رسانه که عاملی برای سرعت بخشیدن به جهانی شدن بوده است توجه بیشتری داشته باشیم و نسبت به تاثیر رسانه و مدرنیته تحقیقات گسترده تری صورت دهیم تا بتوانیم به نحو مطلوب نتایج را شناسایی کنیم و از عواقب آن جلوگیری به عمل آوریم.

سوالات مطرح شده:

۱- نقطه نظرات زیمل در رابطه با تاثیرات مدرنیته بر خانواده چیست؟

۲- تاثیر رسانه ها و جهانی شدن بر خانواده ها چگونه است؟

۳- آثار منفی و مثبت استفاده از رسانه ها چیست؟

۴- آیا راهکار هایی برای کاهش اثرات منفی رسانه بر خانواده وجود دارد یا خیر؟

۳-۱ پیشینه پژوهش

موضوع مورد پژوهش ما موضوع جدیدی است اما می توانیم به مقالاتی که در مورد رسانه ها و نظرات جورج زیمل است، اشاره کنیم. حسینی منش (۱۳۹۸)، در مقاله ای با عنوان رسانه و تحکیم خانواده، به بررسی تاثیر رسانه در تحکیم خانواده پرداخته است. و به این نتیجه رسیده است که کنترل استفاده از رسانه ها در خانواده تنها راه حفظ انسجام خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن به سبب ارتباطات مجازی است. بهترین راه تربیت خانواده، ترویج فرهنگ استفاده مناسب و معقول از رسانه هاست. امامی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله ای با عنوان تبیین رابطه گسترش رسانه ها و خانواده گرایی (مطالعه موردی؛ شهر اصفهان) با استفاده از روش پیمایشی و جامعه آماری ساکنان شهر اصفهان با فرمول کوکران به تحقیق و مطالعه پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین گسترش رسانه ها و خانواده گرایی رابطه وجود دارد. افزایش کمیت استفاده از رسانه موجب می شود تا میزان خانواده گرایی کاهش و از طرفی بین کیفیت استفاده از رسانه و خانواده گرایی نیز رابطه همبستگی مستقیم وجود داشته و آن را تحت تاثیر قرار می دهد. پژوهش حاضر نشان داد با گسترش رسانه ها و افزایش میزان نفوذ آن در درون خانه ها، میزان استفاده از آن توسط افراد روند رو به رشدی داشته و ملاحظه شد بین کمیت و کیفیت استفاده از رسانه با خانواده گرایی رابطه مستقیم وجود دارد؛ به گونه ای که با افزایش مصرف رسانه، خانواده گرایی کاهش می یابد که این امر می تواند خانواده را در معرض تهدید قرار دهد. بوسلیکی و آذربایجانی (۱۳۹۹)، در مقاله ای با عنوان رشد اخلاقی کودکان در کشاکش رسانه و خانواده، به آشکارسازی بخشی از آثار تربیتی برهم کنش رسانه (با تاکید بر تلویزیون) و خانواده پرداخته است. بدین منظور، ابتدا مسائل خانواده در امر تربیت نسل جدید و سپس دو اثر ویژه بر هم کنش این دو نهاد یعنی شکاف نسلی و زوال کودکی بررسی شده است. و در آخر، عنصر «وساطت والدین» در تماشای تلویزیون به منزله راهکار کاهش شکاف نسلی و زوال کودکی واکاوی شده است. نتیجه پژوهش آن است که هر چه والدین هنگام مصرف رسانه ای فرزندان، کمتر با آنان همراهی کنند، دو پدیده «شکاف نسلی» و «زوال کودکی» بیشتر خواهد شد. از میان انواع وساطت والدین، وساطت فعال بیش از بقیه بر کاهش این دو پدیده تاثیر دارد. در این پژوهش برای شناسایی مشکلات و مسائل خانواده ها در زمینه تربیت نسل جدید، به سوالات مطرح شده از مرکز ملی پاسخگویی و تجربه پژوهشگر بهره گرفته شده و برای معرفی آثار برهم کنش رسانه و خانواده و راه کاهش آثار منفی از روش کتابخانه ای استفاده کرده اند. ادیبی سده و رشیدی (۱۳۸۹)، در مقاله ای با عنوان زیمل (پرسه زنی خوشه چین) به بررسی برخی از جنبه های آثار گئورگ زیمل پرداختند مانند (مسئله زمانی تاریخی) و (درباره تاریخ فلسفه) و به گئورگ زیمل که یکی از جامعه شناسان کلاسیک بوده توجه کرده اند. خانی و نور بخش (۱۳۹۵)، در مقاله ای با عنوان نگاهی انتقادی به آرای گئورگ زیمل درباره دین، نسبت میان دین و دینداری در جامعه شناسی صوری گئورگ زیمل، با اتکا به بررسی آثار زیمل درباره دین و دینداری، به روش مرور و با قیاس استدلال دیگر جامعه شناسان هم دوره زیمل تلاش می کند به این پرسش پاسخ دهد که نسبت میان دین و دینداری در جامعه شناسی صوری زیمل کدام است؟ آیا دین و دینداری می توانند در چرخشی دیالکتیکی، از فرم به محتوا و از محتوا به فرم تغییر وضعیت دهند؟ آیا دین داری می تواند منتزع از دین هویت مستقل داشته باشد؟ آیا دین واقعیت عینی است یا بر ساختگی ذهنی؟ و به این نتیجه می رسند که زیمل نگاهی پیچیده تر به دین می افکند. نگاهی که از یک سو دین را بر ساختگی متنوعی از «دینداری» و برای پاسخگویی به نیاز بشر به دین داری می داند. از دیدگاه او «دین» صورتک (فرمی) از دینداری است که توسط بشر خلق می شود و از دیگر سو ذات دین در دیالکتیک میان سوژه (محتوا) و ابژه (فرم) در نوسان است.

۴-۱ روش تحقیق

روش به کار برده شده در این پژوهش روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از روش کتابخانه ای و تفحص در سایر مقالات معتبر و تجزیه و تحلیل مباحث است. روش کتابخانه ای یک روش پر کاربرد و رایج در پژوهش و نگارش پایان نامه ها است.

۲- تشکیل خانواده؛ آگاهی فردی زیمل

خانواده تنها نهاد اجتماعی است که در همه جوامع اعم از مذهبی و غیر مذهبی پذیرفته شده است و از پایگاه و منزلت بالایی برخوردار است. خانواده نهادی مقدس و استوار است که جایگاه والایی دارد و بیشترین مسئولیت را در رشد و تحول، تربیت و سعادت انسان بر عهده دارد. هدف از تشکیل خانواده و ازدواج رسیدن به آرامش روان و آسایش خاطر و تقرب به کمال انسانی و ذات حق است. همچنین خانواده بنیان و هسته اولیه همه نهادهای اجتماعی است که نقش های مربوط به انتقال تمدن، موارث، فرهنگ و همچنین رشد و شکوفایی انسانها به آن مربوط است.

خانواده تعاریف مختلفی دارد اما در تعریف خانواده می توان گفت، گروهی از افراد است که از طریق پیوند زناشویی، پذیرش فرزند یا همخونی با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، پدر، مادر، فرزند، برادر و خواهر در ارتباط متقابل قرار گرفته اند و فرهنگ و هدف مشترکی را پذیرفته و در واحد خاصی به نام خانه زندگی می کنند.

رابرتسون نیز خانواده را یک گروه نسبتاً با دوام که به وسیله اجداد، ازدواج یا توافق به هم پیوستگی پیدا کرده و با هم زندگی می کنند و واحد اقتصادی را تشکیل داده و از کودکان مراقبت می کنند معرفی میکند. (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۳۱۳)

در واقع زن و مرد به طور آگاهانه یکدیگر را انتخاب می کنند و مطابق با هنجارها و ارزش هایی که در جامعه و فرهنگ شان دارند یک خانواده را پی ریزی می کنند. همانطور که زیمل مطرح می سازد در شکل گیری هر گروهی، آگاهی نقش مهم و اساسی را دارد. و افراد با اراده خود و با تصمیم خود وارد گروه معینی می شوند و تعاملاتشان را شکل می دهند. از نظر زیمل بنیادهای حیات اجتماعی عبارتند از افرادی آگاه یا گروهی از افراد که بر حسب انگیزه ها و مقاصد و علایق گوناگون با یکدیگر تعامل می کنند. (Frisby, 1984: 61) خانواده نیز یک گروه پویاست. گروه مجموعه ای از افراد است که با برقراری ارتباط و تعامل با یکدیگر و با توجه به هدف مشخص به کار یا فعالیت می پردازند و تا رسیدن به هدف یاری گر یکدیگر هستند. امروزه رسانه ها تاثیر زیادی در گسترش ارتباطات و شناخت قبل از ازدواج دارد و باعث شکل گیری هر چه راحت تر روابط قبل از ازدواج شده اند که باعث گسترش آگاهی فردی افراد از یکدیگر شده است. خانواده جز گروه های کوچک جامعه است که با اندکی تفاوت از قوانین گروه های بزرگ تر تبعیت می کند. همچنین وجود پیوند عاطفی باعث می شود اعضای گروه در تامین نیاز های یکدیگر به صورت فعال مشارکت کنند. یکی از مهم ترین زمینه های ایجاد پیوند عاطفی، زمینه ارتباطات صحیح بین فردی است. و مهم ترین این ارتباطات، گفت و گوی بین اعضا است که باعث درک بیشتر اعضا از یکدیگر می شود و باعث شکل گیری فضای عاطفی و هیجانی حاکم بر مناسبات افراد می شود. و انسجام خانواده و گروه را سبب می شود.

اما باید گفت طی قرن گذشته، تغییرات و تحولاتی در جوامع و نهادها به ویژه خانواده رخ داده است، که بسیار وسیع تر از تغییرات طی چند قرن گذشته بوده است و باعث صنعتی شدن جوامع و تغییراتی در روابط و سبک زندگی بوده است که مستلزم تلاش و آگاهی بیشتری برای به دست آوردن و حفظ خانواده سالم است.

از جمله عواملی که در خانواده ها باید به آن توجه کرد و آنرا به خوبی شناخت عوامل تحکیم و رشد خانواده و از طرفی موانع رشد و تحکیم خانواده است. چرا که افراد با شناخت این عوامل و آگاهی یافتن از وظایف خود خانواده را در مسیر رشد قرار می دهند. و افراد با کسب شناخت از یکدیگر و وظایفشان در قبال هم سازگاری بیشتری خواهند داشت. همانطور که زیمل می گوید کنشگران در تعاملات خویش باید آگاهانه خود را با هم سازگار کنند. چنانچه سازگاری متقابل وجود نداشته باشد تعامل متوقف می شود و نظام قشر بندی فرو می ریزد. بنابراین به بررسی یکسری از عوامل تحکیم خانواده و موانع آن می پردازیم.

۳- راهکار های تحکیم خانواده

۱- راهکارهای اخلاقی. مثل: گذشت در زندگی مشترک، داشتن منش های شایسته ی رفتاری نسبت به زنان، تهذیب نفس، حسن خلق و گشاده رویی، وفای به عهد، عیب پوشی، سکوت و خاموشی، صبر، خوش بینی، تواضع و فروتنی ۲- راهکار های اقتصادی. مثل: قناعت در زندگی، کار و تلاش، استفاده صحیح و بهینه از منابع و امکانات، فراهم سازی امکانات رفاهی ۳- راهکار های عاطفی. مثل: مزاح با اعضای خانواده، محبت، احترام به والدین و سپاسگزاری از ایشان، سلام کردن، سازگاری و مدارا، تکریم شخصیت اعضای خانواده، داشتن روحیه قدردانی از همدیگر، پرهیز از خشم ۴- راهکارهای اجتماعی. مثل: حیا، امر به معروف و نهی از منکر، ارتباطات سالم و شایسته، تفریح های سالم و شادی آور، حسن معاشرت، صله ارحام، مسئولیت پذیری و ... ۵- راهکارهای فرهنگی: مثل: به کارگیری درست رسانه ها، مطبوعات، نهادهای فرهنگی، سواد رسانه ای، تقویت اعتقادات دینی، بها دادن به ارزش های متری خانواده و ... است.

با وجود پاره ای از تغییرات در نظام ارزشی جوامع و خانواده ها، بر حفظ خانواده سالم، متعادل، و طبیعی تاکید می شود. تحکیم خانواده با ظلم و تحکم و بردباری و صبر به خاطر ترس از فروپاشی خانواده و نگرانی های بعد از آن نیست و چنین خانواده هایی شاید ظاهر قابل قبولی داشته باشد ولی از درون پوسیده است. در نتیجه تحکیم خانواده یعنی حاکمیت اصلی اعتدال، اخلاق و حفظ حقوق همه اعضا. در خانواده ی مستحکم و با ثبات، روابط اعضا به گونه ای است که هر دو به یکدیگر یاری می رسانند و یکی از آن ها همواره خدمت کننده نیست و رابطه آن ها ستمگرانه نمی شود.

۴- موانع تحکیم خانواده

۱- موانع اخلاقی. مثل: عیب جویی، بدبینی، بد خوئی، تحقیر کردن، دروغ، تحمیل نظر ۲- موانع اقتصادی. مثل: فقر و مشکلات معیشتی، بیکاری و تن پروری، بخل و خست ۳- موانع عاطفی. مثل: طلاق عاطفی، اندوه، خشونت در خانواده، آزار همسر، تبعیض در خانه ۴- موانع اجتماعی. مثل: چشم و هم چشمی، دوستان ناباب ۵- موانع فرهنگی: مثل: عدم استفاده درست از رسانه ها، کم رنگ کردن ارزش های متری، تضعیف اعتقادات و گسترش شبهه های فکری، تضعیف فرهنگ های کم حضور، رواج سطحی نگری فکری، گسترش اباحه گری و گسترش محصولات فرهنگ های منحط.

یکی از عوامل مهم سقوط جایگاه خانواده در غرب و جوامع متأثر از فرهنگ غربی، فرایند عمومی دنیوی شدن یا تقدس زدایی بوده است که علاوه بر دیگر حوزه های حیات اجتماعی، خانواده را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

۵- جامعه پذیری

علاوه بر ضرورت شناخت عوامل و موانع تحکیم خانواده اگر اعضای خانواده وظایفشان را به خوبی بشناسند و به درستی انجام دهند خانواده در مسیر رشد، تعالی و تحکیم قرار می گیرد. یکی از مهم ترین مواردی که باید در بحث خانواده مطرح شود موضوع اجتماعی شدن اعضا و جامعه پذیری است که زیمیل نیز توجه خاصی به آن داشته است. همانطور که ریتزر می گوید: زیمیل به اهمیت وجدان فردی و این واقعیت که هنجارها و ارزش های جامعه در آگاهی فرد درونی می شود، توجه دارد. در همه فرهنگ ها، خانواده اصلی ترین عامل جامعه پذیر شدن کودک در دوران طفولیت است.

نوع نخست فرهنگ پذیری، از طریق آموزش هنجارهای اجتماعی و فرهنگی صورت می پذیرد. در این فرآیند، خانواده به عنوان عامل نخست جامعه پذیری نقش مسلط را ایفا می کند و پس از آن مدرسه و گروه های همسال به ایفای نقش جامعه پذیر کننده می پردازند. خانواده، وظیفه جامعه پذیری اعضای خود را متناسب با ظرفیت و توانش انجام میدهد، اما سایر عوامل نیز در جامعه پذیر کردن فرزندان نقش دارند. مثل: مطالعات، تحصیل در سطوح بالاتر، سینما، روزنامه، وسایل ارتباط جمعی و سایر رسانه ها که ارزش ها، عقاید، آداب و رسوم و اعتقادات جدیدی را ورای باور های خانواده ایجاد می کند. و به همان میزان دنیای اعضای جوان خانواده را وسعت می بخشد و سطح خواسته هایشان را از جامعه و خود، بالاتر می برد. در دهه های اخیر، خانواده تحت تأثیر عوامل متعدد درونی و بیرونی، این تغییرات را تجربه کرده است. امروزه رسانه ها، بخشی جدایی ناپذیر از زندگی مردم شده اند. به گونه ای که مردم در طول شبانه روز از محتوای اجتماعی، اقتصادی، آموزشی، سیاسی و سرگرمی رسانه ها استفاده می کنند. و حتی گاهی به قدری در فضای مجازی غرق می شوند که ارتباط برقرار کردن با افراد در دنیای واقعی برایشان سخت می شود. به خصوص استفاده بیش از اندازه از فضای مجازی در قشر نوجوان و جوان که در مرحله هویت یابی هستند بسیار زیاد است و باعث شده است افراد در فضای مجازی با حجم زیادی از اطلاعات از فرهنگ های مختلف روبه رو شوند و در هویت یابی آنان اثرات منفی داشته باشد.

نسل کنونی از ابتدای حیاتش با رسانه ها بزرگ می شود و در دنیای اطلاعاتی و ارتباطی امروز بخش عظیمی از فرهنگ، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی را از رسانه ها دریافت می کند. در دوران کنونی، بخش عظیمی از جامعه پذیری فرزندان از طریق رسانه ها انجام می شود. و نفوذ و تأثیر رسانه نیز تا جایی است که به ما می آموزد به چه چیزی فکر کنیم.

۶- جهانی شدن و گسترش رسانه ها

قرن بیستم با عناوینی چون عصر اطلاعات (Information Age)، عصر ارتباطات (Communication Age)، عصر حاکمیت جریان آزاد اطلاعات (Free Flow of Information) و همانند آن شناخته می شود.

در چند دهه اخیر رسانه ها رشد و گسترش زیادی داشته اند و بر همه جنبه های زندگی افراد به خصوص قشر جوان جامعه تأثیر گذار بوده است. اما قبل از پرداختن به تأثیرات رسانه باید با تعریف آن آشنا شویم: به وسایل انتقال پیام ها از فرستنده یا فرستندگان به مخاطب یا مخاطبان رسانه گفته می شود که شامل روزنامه، کتاب، رادیو، تلویزیون، ماهواره، تکنولوژی های نوین ارتباطات و اطلاعات و اینترنت خواهد بود. ویژگی های این وسایل عبارتند از: پیام گیران ناآشنا، سرعت عمل زیاد و تکثیر پیام. (دادگران، ۱۳۸۵: ۶) امروزه رسانه، تعریف گسترده ای پیدا کرده است؛ چون

رسانه مانند گذشته فقط به تلویزیون، رادیو، روزنامه، مجله و کتاب منحصر نیست. امروزه رسانه‌های گروهی به سبب انبوه و فراوان بودنشان به رسانه‌های فردی تبدیل شده‌اند و به صورت جبهه عظیم فرهنگی درآمده‌اند.

امروزه اختیار جهان و ایدئولوژی حاکم بر ذهن مردم در دست کسی است که نفوذ قابل ملاحظه‌ای بر رسانه‌ها دارد. و هر کشوری به فراخور ظرفیتش می‌خواهد متناسب با آمال و آرزوهایش در عصری که فرا ارتباطات نامیده می‌شود، قدرتمند ظاهر شود. امروزه دولت‌های رسانه‌ای به عنوان عاملی سرنوشت ساز و تعیین کننده در انتخاب‌های امروز انسان شناخته شده‌اند. به گونه‌ای که حتی فرهنگ سنتی اکثر جوامع دستخوش تغییر و تحول شده و همه تا حدودی متأثر از فرهنگ واحد جهانی قرار گرفته‌اند. رسانه‌های فعال و قدرتمند جهانی سعی در ترویج فرهنگ و سبک زندگی مورد پسندشان در تمام فرهنگ‌ها و جوامع دارند که از آن تحت عنوان جهانی شدن نام می‌برند. و سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دقیقی در جهت بی‌هویت کردن کشور‌های تحت سلطه دارند. در حقیقت امروزه جهان غرب برای افزایش نفوذ و سلطه‌ی خود بر جهان به دنبال بسط فرهنگ خود با استفاده از ابزار‌های کارآمد رسانه‌ای همچون اینترنت است. و شاهد آن هستیم که فناوری اطلاعات و ارتباطات، هویت‌های قومی و محلی و انواع فرهنگ‌ها و اجتماعات را به طور مستقیم به فرهنگ جهانی پیوند می‌زند و موجب تزلزل پایه‌های انسجام و هویت عام در سطح ملی می‌شود و از این طریق فرهنگ‌ها و هویت‌های ملی و محلی به نفع جهانی شدن، واپس زده می‌شود. رسانه‌ها در عرصه فرهنگ از توان تعلیمی و تثبیتی در زمینه فرهنگ‌پذیری و تغییر در الگوها و رفتارهای اجتماعی در جهت فرهنگ‌گرایی برخوردارند. کارلسون و همکاران معتقدند رسانه دروازه‌ای است که از طریق آن فرهنگ به افراد منتقل می‌شود؛ گرچه محتوای رسانه یک عنصر فرهنگی به شمار می‌آید. (کارلسون و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۲۶)

در میان اقشار جامعه، قشر نوجوان و جوان بیشترین استفاده‌کنندگان رسانه‌های اجتماعی هستند که تحت تأثیر شدید این رسانه‌ها قرار دارند. در واقع استفاده‌چنان‌ها از رسانه‌های اجتماعی رو به گسترش است و به طور گریز ناپذیری جوانان، پر جمعیت‌ترین و پر تعدادترین گروه نسلی ایران در مواجهه با رسانه‌های نوین هستند. (معمار و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷۳)

رسانه‌ها امروزه از طرفی دارای اثرات مثبت و سازنده‌اند و از طرفی نیز یکی از عناصر پیچیده قابل طرح در انحرافات اجتماعی هستند. در حقیقت رسانه‌ها به عنوان موتور دگرگونی و تغییر ارزش‌ها و هنجارهای جوامع سنتی و ورود آنها به جوامع صنعتی است. رسانه‌ها مروج و خواهان نوآوری، تحرک، موفقیت و مصرف است و می‌تواند به فروپاشی سنت‌گرایی، که معضلی برای نوسازی محسوب می‌شود کمک کند. زیمِل نیز به حاکمیت فرهنگ ناشی از مدرنیته و رسانه‌ها توجه زیادی داشته است و نگران آینده بشر است. انواع رسانه‌ها: تلویزیون، تلفن همراه، رایانه، اینترنت، مطبوعات، انواع کتاب‌ها، مجلات، مقالات و....

۷- مفهوم زندگی بیشتر و بیشتر از زندگی زیمِل

از نظر زیمِل زندگی در شهر‌های مدرن امروزی و گسترش تکنولوژی و انواع رسانه‌ها تأثیر زیادی بر روابط و تعاملات افراد در گروه‌های مختلف از جمله خانواده داشته است. مثلاً رسانه‌ها و فضای مجازی که بر زندگی اکثر مردم در نقاط مختلف جهان حاکم شده است به نوعی با شی‌انگاری و حاکمیت تکنولوژی بر زندگی انسانها که مورد توجه زیمِل است ارتباط دارد. زیمِل مفهوم زندگی بیشتر و بیشتر از زندگی را مطرح می‌کند و می‌گوید: انسان‌ها به دلیل توانایی بیقرار شدن و توانایی خلاق شدن می‌توانند خود را فراتر ببرند و مدام چیزهایی را تولید می‌کنند که آنها را فراتر می‌برد. و نهایتاً موجودیت عینی این پدیده‌ها (بیشتر از زندگی) سرانجام با نیروهای خلاق (زندگی بیشتر) که بعداً آنها را به وجود آورده است در تضاد آشتی ناپذیر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر حیات اجتماعی چیزی خلق می‌کند و از خود آزاد می‌سازد که زندگی نیست اما به خودی خود حائز اهمیت است. زیمِل نتیجه می‌گیرد زندگی اساس خود و روند خود را در زندگی بیشتر و بیشتر از زندگی بودن می‌یابد. (Simmel, 1918/1971: 374)

زیمِل در بحث پیدایش ساختارهای اجتماعی و فرهنگی موضعی بسیار شبیه نظر مارکس دارد. مارکس مفهوم بت‌وارگی را برای نشان دادن جدایی انسانها از تولیداتشان به کار می‌برد. در نظر مارکس این جدایی در سرمایه‌داری به اوج خود می‌رسد و فقط در جامعه سوسیالیستی آینده می‌توان به آن غلبه کرد. اما برای زیمِل این جدایی ذاتی حیات انسان است. در واقع تناقضی ذاتی و اجتناب‌ناپذیر بین زندگی بیشتر و بیشتر از زندگی وجود دارد. موضوع زندگی بیشتر و بیشتر از زندگی محور مقاله خصیصه فرارونده زندگی زیمِل است. زیمِل می‌گوید فراروندگی ذاتی زندگی است و انسان‌ها توانایی فراروندگی مضاعف دارند. (Simmel, 1918/1917: 361)

از نظر زیمل انسانها فرهنگ را تولید می کنند اما به خاطر توانایی که در شی انگاری واقعیت اجتماعی دارند، جهان فرهنگی و جهان اجتماعی از زندگی خاص خود برخوردار می شود، و بر زندگی انسان ها سلطه می آورد و فرهنگ در بلند مدت بیش از پیش نیروی جبری بر کنشگر وارد می کند.

به زعم پیتر اترکورن در دیالکتیک زیمل انسان همواره در خطر نابودی به دست چیزهایی است که خودش خلق کرده و توان انسانی ارگانیک اش را از دست داده است (Etzcorn, 1968: 2).

از جمله فرهنگ های عینی مثل تولیدات، وسایل حمل و نقل، تکنولوژی، هنر، زیبایی، نظام های حقوقی، آرمان ها، اصول اخلاقی و... که با گسترش مدرنیزاسیون رشد و توسعه می یابند و نهایتاً گرد هم تنیده شده و از کنترل کنشگران خارج می شود. (ریتزر، ۱۹۲۰: ۲۴۱) زیمل از این رشد نگران است. در حقیقت آنچه زیمل را نگران می کند خطر رشد فرهنگ عینی برای فرهنگ ذهنی است؛ زیرا زیمل طرفدار جهانی است که تحت حاکمیت فرهنگ فردی است. اما می بیند امکان چنین جهانی هر چه بیشتر نامحتمل می شود و همین موضوع است که زیمل تراژدی فرهنگ می خواند.

زیمل همانند مارکس رویکرد دیالکتیکی دارد. اما زیمل برخلاف خوش بینی انقلابی مارکس، دیدی از آینده دارد که نزدیک به تصور قفس آهنین گریزناپذیر وبر است. می گوید جهان در حال تبدیل شدن به قفسی آهنینی از فرهنگ عینی است که انسان رفته رفته شانس کمتری برای فرار از آن می یابد.

در حقیقت زیمل نگران است که تکنولوژی ها و تولیدات انسانی مثل رسانه ها بر زندگی انسانها حاکم شود و بر سبک زندگی افراد بیشتر از آنچه باید تاثیر بگذارد که نگرانی او بیهوده نبوده؛ چرا که امروزه شاهد حاکمیت رسانه ها بر تعاملات افراد، سبک زندگی و کار آنها هستیم. رسانه ها و تکنولوژی امروزی باعث جهانی شدن و کمرنگ شدن حدو مرزها شده است. و نخستین و مهمترین نهادی که تحت تاثیر توسعه و جهانی شدن قرار گرفته و دچار تحولات جدی شده است، خانواده است. در واقع فرزندان امروز از سرچشمه های دیگر و از جمله وسایل ارتباط جمعی چیزهای بسیاری فرا می گیرند آنها کمتر تحت تاثیر والدین و به طور کلی بزرگترهای خود قرار می گیرند. چنین به نظر می رسد که قدرت غالب از آن وسایل همگانی و همه جا حاضر ارتباط جمعی است بنابراین می توان گفت که خانه جدید از بزرگترین امتیازات سنتی خود خالی شده یا آنکه دست کم در برابر رقیب های تیز چنگ قرار گرفته است و البته منظور نادرست قلمداد کردن این رویکرد نیست از این رو خانواده در کنار وسایل ارتباط جمعی اگرچه از جهاتی به رویکردهای مثبتی دست یافت اما با رقابتی سهمگین نیز مواجه شد به گونه ای که در روابط بین خانواده و سازمانهای آموزشی دیگر ذهن و روان فرزند به تمام معنا در اختیار والدینش نیست و خود پیام های فرهنگی را به خانه می آورد و با این شیوه موجب بروز و ظهور زمینه های بسط و تعالی فرهنگ می شود (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۱۵)

هر چقدر هم که رسانه ها نجابت به خرج دهند و پیام های سالم منتشر کنند اما نمی توانند جای ارتباط چهره به چهره را بگیرند به همین خاطر باید به فکر استفاده درست و بهینه از این رسانه ها بود.

۸- تاثیر مدرنیته بر گروه و تعاملات اجتماعی مورد نظر زیمل

علاقه زیمل به صورت در تعامل اجتماعی است و می گوید دنیای واقعی از تعداد زیادی حوادث، اعمال و تعامل تشکیل شده و انسان ها با وصل کردن الگو یا صورت به اینها نظم می بخشند و با وجود این صورتها واقعیت اجتماعی را بهتر می توان تحلیل کرد. مثلاً صورت فرودستی و فرادستی که در محیط های مختلف پیدا می شود مثل خانواده. معمولاً در خانواده والدین حکم صورت فرا دستی و فرزندان حکم صورت فرو دستی را داشتند اما امروزه با وقوع مدرنیته و تغییراتی که بر سبک زندگی و هنجار ها صورت گرفته، رابطه اعضای خانواده دیگر عمودی نیست که والدین حکم صورت فرادستی مطلق را داشته باشند و فرزندان حکم صورت فرو دستی مطلق را و بیشتر ارتباط افقی است و اگر هم صورت فرادستی و فرودستی وجود داشته باشد شدت آن نسبت به گذشته کمتر است. امروزه رسانه ها نقش زیادی بر این جهت گیری ها دارند و در شکل گیری جهان بینی و نگرش ها و رفتار ها تاثیر گذار است. به خصوص تاثیر رسانه ها و تکنولوژی بر نسل جوان و نوجوان بیشتر مشهود است. و والدینی که از سواد رسانه ای بالایی برخوردار باشند و اطلاعات خوبی داشته باشند بهتر می توانند با فرزندان نشان ارتباط موثر برقرار کنند و مطابق با جهان امروز و مقتضیاتش با آنها رفتار کنند. اگر اعضای خانواده و والدین نتوانند استفاده از تکنولوژی و رسانه را مدیریت کنند باعث می شوند که مرز بین کار، زندگی و تفریح از بین برود و صمیمیتی که لازمه خانواده است به خطر بیفتد. همانطور که زیمل اشاره می کند در زندگی مدرن امروزی که تعداد و اندازه گروه ها بیشتر شده است، صمیمیت و روابط عاطفی جای خود را به روابط مکانیکی خشک داده است و هر یک از افراد به جای در نظر داشتن منفعت جمع و خانواده در پی منفعت شخصی است. امروزه افراد با عضو شدن در گروه های مختلف

مجازی، تعداد و اندازه‌ی گروه‌هایی که عضو هستند را بیشتر می‌کنند زیرا به تأثیر تعداد انسانها در کیفیت تعامل علاقه‌مند است و می‌گوید روابط در گروه دوتایی با گروه سه تایی و گروه‌های بزرگتر متفاوت است و هر چه تعداد اعضای یک گروه بزرگ تر شود صمیمیت کمتر می‌شود و در گروه‌های بزرگتر فرد بیشتر تنها و منزوی می‌شود. همچنین اشاره می‌کند در گروه‌های مختلف فرد هم تأثیرگذار است، هم تأثیر می‌پذیرد. در واقع فرد هم متعین است، اما تعیین کننده نیز هست. معقول است اما خود انگیخته نیز هست و تناقض اینجاست که جامعه امکان ظهور فردی خودمختار را میدهد اما سد راهش نیز می‌شود. (Coser, 1965: 11)

زیمل به اندازه‌ی گروه نیز علاقه‌مند است و معتقد بود افزایش گروه باعث می‌شود آزادی فرد بیشتر شود اما گروه کوچک احتمالاً فرد را به طور کامل کنترل می‌کند. اما جامعه بزرگتر مسائلی را نیز خلق می‌کند که در نهایت آزادی فرد را به مخاطره می‌اندازد مثلاً توده مردم احتمالاً تحت سلطه یک عقیده هستند و به کنش بدون فکر و عاطفی روی می‌آورند.

زیمل معتقد است یکی از راههای فائق آمدن افراد به خطر جامعه توده‌ای این است که خود را در گروه‌های کوچک مانند خانواده غرق کنند. اما خیلی از مواقع افراد در محیط خانواده و جمع دوستانه‌ای که باید بر آن حاکم باشد، در فضای مجازی غرق هستند و تفکیکی بین فضای واقعی و فضای مجازی زندگی خود قائل نیستند که باعث کمرنگ شدن روابط و حاکم شدن انواع مختلف فرهنگ‌ها و مد پستی در ذهن افراد گشته است. افراد در دنیای رسانه‌ای مدرن در معرض اطلاعات و تصاویری از دیگر نقاط جهان و فرهنگ‌های مختلف قرار می‌گیرد که می‌تواند آثاری برای فرد، خانواده و جامعه داشته باشد.

۹- تأثیر زندگی مدرن بر سبک زندگی خانواده

با تغییر جوامع سنتی به سمت مدرنیته و صنعتی شدن در سبک زندگی مردم نیز تغییرات زیادی رخ داد. و در مردم این باور شکل گرفت که زندگی مطلوب با بالا رفتن انتظارات و توقع‌ها، باز شدن افق‌ها، توانا شدن مردم به تخیل ورزیدن و درخواست جایگزینی شرایط زندگی بهتر برای خود و خانواده عملی می‌شود. (مک کوئیل، ۱۳۸۲: ۱۴۴) و غافل از فرهنگ سازی اولیه با استفاده از رسانه‌های گوناگون سعی در تبلیغ سبک زندگی مدرن کردند. و تغییراتی را در روابط و زندگی فردی و اجتماعی به وجود آوردند. افراد در این دنیای مدرن رسانه‌ای به جای ارتباطات قوی تر با یکدیگر به سمت گوشه‌گیری و منزوی شدن پیش می‌روند. زیمل نیز معتقد بود با وجود مدرنیته و تأثیر رسانه‌ها، سبک زندگی ساده دچار تغییرات و تحولاتی می‌شود و مفاهیم فرد گرایی و اسیر شدن در فرهنگ عینی را مطرح کرده است.

مارتین سگالین در کتاب جامعه‌شناسی تاریخی خانواده تأکید می‌کند، امروزه در کنار تفکیک جغرافیایی حوزه‌های کار و سکونت، ناپدید شدن پدیده همسایگی، وجود مادران شاغل و متخصصان مسئول مراقبت از اطفال و تأثیر تلویزیون، از جمله عواملی هستند که بین دنیای کودکان و بزرگسالان شکاف ایجاد می‌کنند. (سگالین، ۱۳۷۳: ۸۳) و ارتباطات را کمرنگ تر می‌کند.

همچنین هر چقدر ارتباط بین اعضای خانواده کمرنگ تر شود، انسجام گروه به مخاطره می‌افتد و افراد وقت بیشتری را برای پر کردن این خلا در اینترنت و سایر رسانه‌ها صرف می‌کنند. مثلاً امروزه استفاده از تلویزیون، اینترنت و اتاق‌های چت به قدری زیاد شده است که ورود مردان و زنان در اتاق‌های چت به عنوان زندگی دوم مطرح می‌شود، که زندگی اول را به مخاطره می‌اندازد.

از طرفی رسانه‌های غربی با سلطه بر منابع اطلاعاتی و تکنولوژی سعی می‌کنند ارزش‌ها و هنجارهای خود را در سایر کشورها درونی سازند که باعث ایجاد نوعی شکاف و تضاد بین اولویت‌های فرهنگی، شیوه‌های تفکر، نگرش‌ها، هنجارها و ارزش‌های خانواده شده است.

تأثیر رسانه‌ها در شبکه گسترده خویشاوندی نیز موثر است و جای ارتباطات رو در رو را گرفته است. اگر قبلاً افراد برای دید و بازدید به خانه یکدیگر می‌رفتند، جویای احوال یکدیگر میشدند، روابط بسیار صمیمانه بود و در حل مشکلات به یکدیگر کمک می‌کردند. امروزه به جای روابط رودر رو افراد از طریق رسانه‌ها و انواع فضای مجازی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. و کارکردها و فواید روابط خویشاوندی به فراموشی سپرده شده است. افراد کمتر به یکدیگر در حل مسائل و مشکلات کمک می‌کنند و در انتقال فرهنگ‌ها و سنت‌ها نیز خلل وارد شده است.

در واقع رسانه‌ها بر روابط و سبک زندگی افراد در خانواده و سایر نهاد‌های اجتماعی تأثیرگذار بوده است. رسانه‌ها تا حد زیادی بر سبک خوراک، پوشاک، مسکن، خرید و در کل سبک زندگی افراد موثر بوده است و نقش دین و معنویت روز به روز کمتر می‌شود. شیوه تفکر مکانیکی بر زندگی حاکم می‌شود و در عرصه‌های مختلف زندگی مهم کمیت میشود نه کیفیت. روابط انسان‌ها بر اساس منفعت شخصی و بسیار تخصصی و غیر شخصی می‌شود. مثلاً تأثیر رسانه‌ها می‌تواند در زبان، فرهنگ، سنن و علائق قومی و مذهبی، ادبیات و منابع مطالعاتی، رواج مکتبهای خاص هنری، در موسیقی رایج، گسست و بیگانگی با سنتهای فرهنگی و فرهنگ سنتی در بین نسل جوان، چیدمان و معماری خانه و رنگ آمیزی

منزل، فرهنگ غذا خوردن، مدل آرایش صورت و مو، نوع تفریحات افراد، روابط عادی روزانه آنها و واژه گزینی شان و حتی بر سبک نویسندگی و فیلم سازی دید. و در کل منش ملی و آرمانهای اجتماعی ملت های هدف از بین می رود و رفتار و کنش جهانی جایگزین آن می شود.

۱۰- رسانه؛ شاهراه هویت بخشی

خانواده در تمام فرهنگ ها، کانون شکل گیری هویت افراد است. اما امروزه رسانه ها تاثیر زیادی در شکل گیری و تغییر این هویت داشته است. رسانه ها باعث شکل گیری نوع جدیدی از ارتباطات مجازی شده است که افراد را به خود وابسته کرده و کارکرد ها و امکانات خاص این فضا، تاثیرات عمیقی بر جنبه های متفاوت هویت یابی گذاشته است.

جامعه به صورت مدار بسته ای است که رسانه های جمعی به عنوانی شاهراهی در جهت هویت بخشی به مخاطبان عمل می کند. مردم به صورت ارادی یا حتی بدون هدف، از هر رسانه ای می توانند فراگیری داشته باشند؛ به شرط اینکه نظرشان را جلب کند.

در واقع انسانها در تعامل با یکدیگر هستند و سطح این تعاملات بر سبک زندگی شخصی و عمومی آنها تاثیر گذاشته است. همانطور که زیمل می گوید: انسانها با یکدیگر تعامل و ارتباط دارند. انسان ها به هم نگاه می کنند. به هم حسادت می کنند. به هم نامه می نویسند. با هم غذا می خورند. انسان ها جدای از هر نوع نفع عینی به نظر هم خوشایند می آید یا ناخوشایند. قدردانی انسان ها از اعمال نوع دوستانه هم به وحدت جدایی ناپذیر شان کمک می کند. یکی از دیگری درخواست می کند محل خیابانی را نشان دهد. انسان ها خودشان را برای یکدیگر شیک و آراسته می کنند. همه اینها نمونه کاملی از روابطی است که بین شخصی با شخص دیگر برقرار می شود. این روابط ممکن است موقتی باشد یا دائمی و آگاهانه باشد یا ناآگاهانه و گذرا باشد. یا با پیامدهای مهم اما مداوم انسانها را به هم پیوند می دهد. هر لحظه این رشته پیوند داده می شود و پاره می شود و دوباره از سر گرفته می شود. و با دیگران جایگزین می شود و با دیگران تنیده می شود. (Simmel, 1908/1959: 327-328)

همچنین در دنیای مدرن، گردش سریع پول عادت خرج کردن و تملک را پدید می آورد. همه اینها عناصر فرهنگ سازند. همانطور که ریتز در کتابش اشاره می کند: دنیای ماشینی رویگردان از معنویت بر افراد سیطره می یابد و سبک زندگی شان به طرق گوناگون تحت تاثیر قرار می گیرد. (ریتزر، ۱۹۲۰: ۲۵۰)

در واقع هویت برای سه عنصر است: عنصر شخصی، فرهنگی و اجتماعی. که همه این سه عنصر در تکوین شخصیت نقش مهم و اساسی دارند. که در این میان هویت اجتماعی در پیوند با گروه ها و اجتماعات مختلف شکل می گیرد. و به تبع رسانه ها نیز در شکل گیری آن نقش موثری دارند. در واقع فرد در رسانه از ابزار های متفاوت فرهنگی استفاده می کند تا خود را به نحو مطلوبی به جهان معرفی کند. فرد در این رسانه ها، خود را در موقعیت ها و نقش های متنوع و سبک های مختلف زندگی قرار می دهد و دائما با محرک های جدید و انواع مختلف رفتار آشنا می شود، چنین فضایی هویت نامشخص و دائما متحولی را ایجاد می کند.

۱۱- اقتصاد پولی و حاکمیت فرهنگ عینی

زیمل کلان شهرهای مدرن را عرصه ناب رشد فرهنگی عینی و افول فرهنگ فردی می داند و بیان میکند که در شهرهای مدرن روابط انسانی اصیل ضعیف میشود و روابط اجتماعی تحت سیطره نگرش دزدگی و توداری در می آید. در شهرهای کوچک صمیمیت زیاد بود اما در شهرهای مدرن عواطف و احساسات انسانی ضعیف است و ویژگی شهر مدرن خردمندی سطحی است. شهر مرکز تقسیم کار و تخصصی شدن کارها است. در واقع در دنیای مدرن امروزی اقتصاد پولی حاکم است. و بر همه جنبه های زندگی تاثیر گذار بوده است. و به جای توجه به فرهنگ فردی، فرهنگ عینی بر زندگی حاکم است. جامعه ای که پول به عنوان هدف می شود تاثیر منفی بر جای میگذارد (Beilharz, 1996). که دو مورد از مهمترین آثار منفی آن بدبینی و دزدگی است. همچنین در جامعه پولی عالی ترین تا پست ترین جنبه های حیات اجتماعی به فروش گذاشته می شود. (ریتزر، ۱۹۲۰، ۲۴۸)

تاثیر اقتصاد پولی بر آزادی فردی نیز مخرب است و فرد در دنیای مدرن به اسارت فرهنگی عینی توده ای در می آید. (همان، ۲۴۹)
پول وسایلی را پدید می آورد که این پدیده ها به وسیله آن از زندگی خاص خود برخوردار می شوند که نسبت به کنشگر بیرونی و جبری است. (همان، ۲۴۵) پول نه تنها در خلق دنیای اجتماعی شی انگاری کمک می کند بلکه در عقلانی شدن فزاینده این دنیای اجتماعی نقش دارد. (Deutschmann, 1996, B. Turner, 1986) از سوی دیگر اقتصاد پولی در تغییر چشمگیر هنجارها و ارزشهای جامعه نقش دارد و به تغییر جهت گیری بنیادی فرهنگ به سوی خردمندی کمک می کند. (Simmel, 1907/1978: 152)

بسط انبوه فرهنگ عینی تاثیر عمیقی بر آهنگ زندگی گذاشته است و عدم یکنواختی که مشخصه اعصار پیش بود در جامعه مدرن به یکنواختی تبدیل شده است. مثلاً در گذشته نوع غذای مصرفی به برداشت محصول بستگی داشت اما امروزه با پیشرفت و توسعه حمل و نقل و روشهای نگهداری بهتر می توانیم هر غذایی را در هر زمانی مصرف کنیم. و جای پست را امروز ایمیل و فضای مجازی گرفته است یا در گذشته شب و روز و تاریکی و روشنی مشخص بود ولی الان با پیشرفت تکنولوژی و روشنایی های مصنوعی این آهنگ طبیعت تغییر کرده است و با وجود انواع رسانه ها و تکنولوژی ها ذوقیات فکری زیاد شده است و ارتباطات انسان ها حد و مرز نمی شناسد.

امروزه رسانه ها و اینترنت در توسعه امور تجاری و اقتصادی نقش موثری داشته و باعث سود آوری بنگاه های اقتصادی شده است. اما عدم کنترل بر آن ممکن است باعث ایجاد فرهنگ مصرف گرایی و مدگرایی افراطی شود. و کاربران را به مصرف و خرید بیشتر تشویق کند و افراد خرید را نه برای رفع نیاز بلکه به عنوان امری تفریحی و سرگرمی در نظر بگیرند.

۱۲- فرد گرایی

در نتیجه تحقیقات، فرهنگ غربی، هویت فردی را در جهت فردگرایی و فرهنگ آسیایی، شرقی و آمریکای جنوبی، فرد را به سوی تعلق به گروه و جمع گرایی سوق می دهد. در غرب توسعه مدرنیته و رسانه سریع تر بوده است. در حقیقت استفاده بیش از حد از رسانه ها باعث می شود که اعضای خانواده به جای همگرایی و جمع دوستی به واگرایی روی آورند، تا جایی که هر عضو خانواده در یک فضای فیزیکی مشترک زندگی کرده اما هیچ تعاملی با هم نخواهند داشت. و کم کم افراد اهدافشان نیز به صورت واگرا در می آید. و تعامل واقعی فرد به جای اینکه در محیط های انسانی سامان یابد، با رسانه های الکترونیکی و به صورت مجازی شکل می گیرد. و نتیجه این می شود که افراد به جای ارتباط نزدیک با یکدیگر از طریق ابزار های الکترونیکی ارتباط برقرار می کنند.

همچنین مدرنیته و تفکرات ناشی از آن سبب شده است که در الگوهای کاری و تحصیلی زنان نیز تغییراتی را شاهد باشیم. مثلاً امروزه زنان ابتدا به فکر توسعه و پیشرفت تحصیلی و شغلی خود هستند و تشکیل خانواده دیگر به صورت هدف زندگی افراد نیست بلکه به صورت یک گزینه ای پیش روی آنهاست که می توانند آنرا انتخاب کنند یا نکنند. به همین خاطر سن ازدواج نیز نسبت به قبل بالاتر رفته است و نتیجه این شده است که در نتیجه مدرنیته، افزایش انتظارات و توقعات، اوضاع اقتصادی و از طرفی شرایط والدین، تعداد فرزندان کم شده است. و افراد بیشتر از قبل به سمت فردگرایی کشیده می شوند. چرا که اندازه گروه های عضو نیز کاهش می یابد. و همانطور که زیمل می گفت: انتظار می رفت با کوچک شدن گروه ها، صمیمیت ها بیشتر شود که استفاده نادرست از رسانه ها این صمیمیت را مخدوش کرد.

نشانه های فردگراییان: ۱- علایق و اهداف فردی ترجیح دارند. ۲- ارزشها و هنجار ها مبنای فردی دارند. ۳- کسب لذت فردی در اولویت است. ۴- باور های فردی، متمایز کننده فرد از گروه است. ۵- استقلال و هویت فردی اهمیت دارند. ۶- ارتباط بین اعضا متکی به افراد است و رابطه اعضا با فاصله زیاد صورت میگیرد ۷- ورود و خروج به گروه راحت است ۸- دوستی ها و وفاداری ها کم رنگ است.

دنای امروز و استفاده بیش از اندازه از رسانه های جمعی، افراد را به صورت انفرادی به خود مشغول می کند و آنها را از تعامل با یکدیگر باز می دارد. ارتباطات مجازی جای ارتباط بین فردی از نوع چهره به چهره را می گیرد و موجب حاکمیت فضای انفرادی به جای فضای جمعی و عاطفی حاکم بر خانواده می شود. این ابزار ها به تدریج فضای گفت و گو و تعاملی را خدشه دار می سازد و اعضای گروه را به جای همگرایی به واگرایی سوق می دهد. به صورتی که اعضای خانواده فقط از لحاظ فیزیکی مشترک زندگی می کنند اما تعاملات عاطفی آنها بسیار کم و حتی صفر است. در نتیجه افراد به جای تقویت پیوند عاطفی و احساسی با خانواده خویش به ارتباطی تن می دهند که فاقد بار عاطفی، احساسی و هیجانی است. و به دلیل برتری تکنولوژی ها و رسانه ها، در فرد نوعی رعب فرهنگی و انفعال شخصیتی رخ می دهد.

۱۳- سواد رسانه ای

همانطور که زیمل به معضلات دنای مدرن آگاه بود و فرار از عواقب آنرا دشوار می دید، اما به تاثیرات مثبت و منفی رسانه ها توجه داشت و بر افزایش و بالا بردن آگاهی افراد تاکید می کرد. در واقع هر کدام از اعضای خانواده ذهنیت و تفکراتی دارند که گاه باعث تضاد و تعارض با یکدیگر می شوند. افراد خانواده نباید به کل صورت مسئله را پاک کنند بلکه باید به درستی با آن مواجه شوند و عواقب عدم آموزش و سرسری گرفتن آنرا بپذیرند. چیزی که اهمیت دارد به روز رسانی اطلاعاتمان به شیوه صحیح است. و باید طریقه صحیح استفاده از فضای مجازی و رسانه ها را یاد بگیریم. چرا که امروزه در اختیار داشتن رسانه ها دیگر کلاس نیست بلکه ضرورت است. شناخت درست رسانه ها باعث می شود افراد قدرت

تجزیه و تحلیل داشته باشند و از اطلاعات مفید استفاده کنند. چرا که افراد کم سواد و ناآگاه به واسطه محدودیت اطلاعات و درک ناکافی در موارد زیادی قادر به تجزیه و تحلیل داده های دریافتی نبوده اند و دچار معضلاتی می شوند.

رسانه ها از طرفی می توانند به تقویت ارزش های فرهنگی بپردازند و از طرفی آنها را تضعیف کنند. رسانه ها دارای قدرت اثر گذاری بالایی بر روی نهاد خانواده هستند و در الگو سازی بر روی والدین و فرزندان نقش موثری دارد. باید طریقه درست استفاده کردن از رسانه ها آموزش داده شود، تا علاوه بر استفاده از فضای مجازی در جهت رفع نیاز ها، والدین بتوانند بر میزان استفاده از این فضا بر روی فرزندان شان نظارت داشته باشند و مخاطرات آنرا کاهش دهند. در حقیقت رسانه ها بیگانه ای هستند که در خانه هایمان راه می دهیم و به آنها اجازه می دهیم در ما تاثیر بگذارند و متأسفانه در مورد این بیگانه به اعضای خانواده مان هشدار نمی دهیم.

عدم آموزش صحیح استفاده از رسانه ها، باعث میشود از طرفی فرد نتواند خود را در استفاده از این امکانات محدود کند و از طرفی دیگر نیز بدون آموزش صحیح از آسیب هایی که این فضا برای فرد دارد نمی تواند خود را مصون نگه دارد. بنابراین بهترین راه مصونیت همراه با هدایت و مدیریت به جای محدودیت است. در نتیجه با آموزش و ایجاد مهارت در فرد می توانیم قدرت تدافعی و کنترل درونی ایجاد کنیم. از طرفی نیز خود رسانه ها بهتر از هر عامل دیگری می توانند فرهنگ درست ارتباط با رسانه ها را رواج دهند و به فرهنگ سازی مثبت در زمینه استفاده درست از رسانه و آثارش بپردازند.

سواد رسانه ای باعث می شود افراد با دید انتقادی به انواع رسانه ها و اخبار نگاه کنند و تاثیر پذیری کورکورانه از رسانه ها نداشته باشند. در حقیقت رسانه ها می تواند تاثیر مثبتی بر زندگی مصرف کنندگانش داشته باشد اما به شرطی که سواد رسانه ای افراد بالا باشد و فرهنگ سازی در این خصوص صورت بگیرد و والدین نسبت به استفاده فرزندان شان از رسانه ها نظارت و کنترل داشته باشند. همچنین نقش اراده و آگاهی انسانها نیز در استفاده از تکنولوژی ها و رسانه موثر است. افراد در برابر محصولات رسانه ای منفعل و متأثر محض نیستند و به کمک اعتقادات، گرایش ها، جهان بینی و ارزش هایشان این محصولات رسانه ای را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می دهند. و در نهایت به یک فهم جدید عقلانی می رسند که جهت دهنده رفتارشان است. همانطور که زیمل می گوید: کنشگر می تواند کنش های بیرونی را درک کرده و آن ها را ارزیابی کند و شیوه های مختلف عمل را امتحان کرده و سپس تصمیم بگیرد که چه کار کند. کنشگر به خاطر همین توانایی ذهنی به راحتی به اسارت نیروهای بیرونی در نمی آید. (ریترز، ۱۹۲۰: ۲۳۰)

برای کسب سواد رسانه ای بهتر است با آثار مثبت و منفی رسانه ها آشنا شویم و راهکار هایی را برای مقابله و دفع آثار بد رسانه ها کسب کنیم

۱۴- آثار رسانه ها

رسانه های جمعی بهره برداری دو سویه دارند و بستگی به استفاده انسان دارد که به خوبی یا به بدی از این رسانه ها بهره گیرند. از طرف دیگر تاثیرات مثبت و منفی اینترنت و انواع رسانه ها بستگی به شخصیت افراد نیز دارد مثلاً افراد درونگرا هرچه بیشتر اینترنت مصرف کنند تنها تر می شوند اما در مقابل، تنهایی افراد برونگرا با مصرف بیشتر اینترنت کاهش می یابد.

۱۴-۱- آثار مثبت رسانه

۱- ارتقای سطح کیفیت خانواده در ابعاد مختلف از طریق آموزش هایی که در فضای مجازی وجود دارد. رسانه های جدید امکان انتقال اطلاعات را فراهم کرده است و ابزار مناسبی برای آموزش است.

۲- ایجاد فضای مجازی برای مشاوره: اینترنت و فضای مجازی به دلیل امکان ارتباط سریع و آسان و ناشناس بودن افراد و امنیت نسبی میتواند زمینه مناسبی برای رابطه با کارشناسان و مشاوران باشد.

۳- استحکام بنیان های فرهنگی خانواده از طریق تقویت و گسترش فرهنگ بومی و سنتی. امروزه شاهد نفوذ فرهنگ های مهاجم و اضمحلال نظام های ارزشی و دینی بوده ایم که از طریق استفاده درست از انواع رسانه ها در جهت تقویت فرهنگ ملی می توان اثرات فرهنگ های بیگانه را کاهش داد.

۴- تسهیل در فرآیند اجتماعی شدن و جامعه پذیری افراد جامعه. رسانه ها با برقراری ارتباط سریع افراد با یکدیگر و تعاملات بیشتر، محدودیت های زمانی و مکانی را از بین برده و باعث شده است اعضای خانواده زودتر اجتماعی شوند. در یک لحظه می توانیم با افراد زیادی در سراسر نقاط جهان ارتباط برقرار کنیم و آزادی افراد تا حدود زیادی بیشتر شده است و فقط در محدوده باورهای منطقه خود نیستند. و در ارتباط با کل جهان می توان جهان بینی مشخصی را انتخاب کرد و در دنیای مدرن افراد آزادترند به میل خود رفتار کنند.

۵- فضایی برای گذراندن اوقات فراغت. اینترنت علاوه بر بهره برداری های علمی و اطلاعاتی بخش مهمی از اوقات فراغت افراد را به خود اختصاص می دهد.

۶- ارتباط بیشتر اعضای خانواده با یکدیگر. خیلی از مشاغل که در ادارات کار می کردند، امروزه با وجود رسانه هایی همچون اینترنت از داخل خانه انجام می شود و افراد در خانواده می توانند وقت بیشتری برای هم بگذارند.

۱۴-۲- آثار منفی رسانه

۱- تزلزل در روابط و مناسبات اعضای خانواده: هر یک از اعضای خانواده نقش ها، روابط و مناسباتی دارند. که استفاده بیش از حد از رسانه ها باعث شده وقت کمتری برای خانواده و دوستان خود بگذاریم در نتیجه باعث کاهش و نهایتا گسستن ارتباطات می شود. که با گسستن این ارتباطات خانواده متزلزل می شود و فرو می ریزد. بنابراین باید به تقویت کانون خانواده پردازیم.

۲- تغییر در سبک زندگی و معیار های ارزشی و فرهنگی خانواده: هر خانواده ای در فرهنگ ها و کشور های مختلف معیار ها و ارزش هایی دارد اما قرار گرفتن در معرض ارزش ها و فرهنگ های متعارض با فرهنگ ملی، معیار ها و ارزش ها را دچار آسیب و خطر می کند و احتمال بروز تعارض را در محیط خانواده رقم می زند. و بر سبک زندگی و جهان بینی تاثیر می گذارد. از طرفی افراد را به جای دنیای واقعی در تخیل و رؤیا فرو می برد و باعث ایجاد حس بی حوصلگی، حسادت و ... در فرد می شود.

۳- تداخل مرزها و فضای درون خانواده با اجتماع: اینترنت در هر زمان و مکانی قابل حصول است و تمایز حیطه ها و مرز های مختلف را از بین برده است. و موجب تداخل زمانها و مکان ها با یکدیگر شده است. مثلا امروزه خیلی از کارهای بیرون در داخل خانه و با استفاده از این فناوری ها صورت میگیرد.

۴- تغییر هویت فرهنگی و اجتماعی و فردی اعضای خانواده: بیشترین میزان تبلیغ و ترویج در فضای مجازی به سمت سبک زندگی غربی است که با هویت فرهنگی، اجتماعی و فردی بسیاری از کشورها به خصوص کشورهای آسیایی و ... در تضاد است و کم کم الگوی رفتار غربی به صورت الگوی غالب در جوامع مختلف در می آید. و چون بیشترین میزان مصرف اینترنت در قشر نوجوان و جوان است ک در حال شکل گیری هویت خود هستند می تواند اثرات منفی در هویت یابی آنها داشته باشد.

۵- استفاده بی رویه و وابستگی اعتیاد گونه به اینترنت: وسایل ارتباطی و اینترنت پیشرفت رو به افزایشی داشته است. که باعث استفاده بی رویه و اعتیاد گونه برخی از افراد از اینترنت شده است و باعث به وجود آمدن معضلات جدیدی در خانواده ها هستیم. خیلی از افرادی که استفاده بی رویه از رسانه ها دارند ممکن است افسردگی روحی، ناراحتی و حساسیت های عصبی دچار شوند و حتی قدرت تجزیه و تحلیل را از افراد بگیرد. از جمله این اعتیاد ها عبارت اند از: ۱- اعتیاد به موضوعات جنسی ۲- اعتیاد به روابط اینترنتی ۳- اعتیاد به روابط اقتصادی ۴- اعتیاد به جمع آوری اطلاعات ۵- اعتیاد به خود کامپیوتر.

۶- ترویج ناپهنجاری ها و بی بند و باری های اخلاقی و برقراری روابط غیر متعارف: هرزه نگاری ها و سایت های غیر اخلاقی پیامد های ناپهنجاری برای خانواده به وجود آورده است و می تواند زمینه ساز انحرافات اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی شود. همچنین امروزه با شیوع شبکه های ارتباطی مجازی امکان آشنایی با غیر همجنسان و غیر همسالان زیاد است و می تواند خطرات زیادی برای فرد و خانواده در پی داشته باشد.

۱۵- راهکار برای کاهش مخاطرات رسانه ها

۱- افزایش آموزش مهارت های کاربردی صحیح و مناسب از اینترنت به تمام اعضای خانواده.

۲- طراحی و تولید انواع نرم افزار ها، برنامه های کاربردی مناسب و شبکه های مجازی مطابق با معیار های فرهنگی و ملی و قابلیت مدیریت، کنترل و ارزشیابی آن.

۳- ترویج و ارتقای فرهنگ استفاده صحیح از فضای مجازی و انواع رسانه ها در سطح ملی و بین المللی.

۴- آگاهی سازی و اطلاع رسانی به خانواده ها در خصوص معضلات استفاده نادرست از فضای مجازی و کنترل و نظارت بر آن.

۵- نظارت درست و صحیح بر استفاده از اینترنت و فضای مجازی توسط والدین برای فرزندان.

۶- طراحی و تدوین بخشی در کتب درسی برای آموزش طریقه استفاده درست از اینترنت و فضای مجازی.

۷- ساخت و پخش فیلم هایی با موضوع فضای مجازی و مزایا و آسیب های آن.

۸- گذراندن اوقات فراغت بیشتر والدین با فرزندانشان در فضای بیرون از خانه برای پایه ریزی دوستی و غنی سازی عاطفی اعضای خانواده.

۱۶- بحث و نتیجه گیری

تأثیر رسانه‌ها و مدرنیته بر سبک زندگی انسان امروزی و خانواده‌ها غیرقابل انکار است. زیمل نیز یکی از جامعه‌شناسانی است که به این موضوع توجه زیادی داشته است. او درخصوص تشکیل گروه، بحث آگاهی فردی را مطرح می‌کند. خانواده نیز یک گروه پویا است که با آگاهی فردی اعضا شکل می‌گیرد. بنابراین اعضای خانواده باید نسبت به عوامل و موانع تحکیم خانواده و نیز مسئولیت‌ها و وظایف خود همانند جامعه‌پذیری فرزندان آگاهی و شناخت کافی بدست آورند تا بتوانند به شیوه‌ای موثر، متناسب با شرایط روز جامعه، خود را بروز و هماهنگ کنند تا شکاف نسلی رخ ندهد. از طرفی زیمل بحث جهانی شدن و حاکمیت فرهنگ عینی بر زندگی انسان را مطرح ساخته و نگران سرنوشت بشر است که دیدگاه او در این باره با نظر ماکس وبر مشابهت زیادی دارد. زیمل می‌گوید انسانها دنیایی را برای خود خلق می‌کنند که تمام پدیده‌های اجتماعی با پول به فروش گذاشته می‌شود. در دنیایی که فرهنگ عینی بر فرهنگ ذهنی حکومت می‌کند انسان‌ها روز به روز بیشتر اسیر چیزهایی که خود خلق کرده‌اند، می‌شوند تا جایی که عنان زندگی از دستشان خارج می‌شود و دیگر هیچ کنترل و مدیریتی بر زندگی‌شان نخواهند داشت، که این موضوع در مورد رسانه‌ها بیشتر از هر پدیده‌ی دیگری صدق می‌کند. امروزه افراد حتی در خانواده‌ها نیز دچار فردگرایی و واگرایی از جمع هستند و به جای گفتگو و ارتباط چهره به چهره از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی با یکدیگر و با خویشاوندانشان ارتباط برقرار می‌کنند. در حال حاضر به حدی تأثیر مدرنیته و رسانه‌ها بر زندگی انسان‌ها عمیق است که بر سبک زندگی، ایدئولوژی، جهان‌بینی و منش افراد تأثیر گذاشته است. بنابراین با شناخت آثار مثبت و منفی رسانه‌ها باید سعی کنیم از آنها به نحو مطلوب استفاده کنیم و اثرات منفی رسانه‌ها را در زندگی به حداقل برسانیم و سواد رسانه‌ای و فرهنگ‌سازی در جامعه را بالا ببریم تا افراد بتوانند با یکدیگر ارتباط موثرتری برقرار کنند و روابط خود را با یکدیگر و در گروه‌ها تقویت نمایند تا همان صمیمیتی که مورد نظر زیمل است محقق شود. باید توجه داشته باشیم از رسانه‌ها در جهت ارتقای شخصی و شغلی استفاده کنیم نه در جهت بی‌هویتی، سردرگمی و منزوی شدن.

منابع فارسی

کتاب:

- دادگران، سید محمد. (۱۳۸۵). مبانی ارتباطات جمعی، چاپ دهم، تهران، انتشارات فیروزه، مروارید.
- رابرتسون، یان. (۱۳۷۲). درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، تهران، آستان قدس.
- ریترز، جورج. (۱۹۲۰). نظریه جامعه شناسی، ترجمه هوشنگ نایی، چاپ پنجم، تهران، نشر نی
- ساروخانی، باقر. (۱۳۹۳). مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، چاپ هجدهم، تهران، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- سگالین، مارتین. (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده. ترجمه: حمید الیاسی. تهران، نشر مرکز.
- مک کوئیل، دنیس. (۱۳۸۲). درآمدی بر نظریه‌های ارتباطات جمعی. ترجمه: پرویز اجلائی. تهران، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

مقاله:

- ادیبی سده، مهدی؛ رشیدی، محمود. (۱۳۸۹). زیمل (پرسه زنی خوشه چین)، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر، سال چهارم، شماره نهم، ص ۷۲-۵۱.
- امامی، پریخ؛ هاشمیان، سید علی؛ حقیقتیان، منصور. (۱۳۹۶). تبیین این رابطه گسترش رسانه ها به خانواده گرایی (مطالعه موردی؛ شهر اصفهان)، دو فصلنامه پژوهش های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، دوره ۵، شماره ۱، ص ۵-۱۹.
- بوسلیکی، حسن؛ آذربایجانی، مسعود. (۱۳۹۹). رشد اخلاقی کودکان در کشاکش رسانه و خانواده، فصلنامه علمی - ترویجی در حوزه اخلاق، شماره ۳۹، ص ۴۰-۱۱.
- تبریزی، منصوره. (۱۳۹۸). رابطه رسانی شدن زندگی روزمره و سلامت خانواده، فصلنامه مطالعات رسانه های نوین، سال پنجم، شماره ۱۸، ص ۱۶۷-۲۰۲.
- حسینی منش، منصوره. (۱۳۹۸). رسانه و تحکیم خانواده، پژوهشنامه اورمزد، شماره ۴۷، ص ۱۱۰-۱۱۳.
- خانی، علیرضا؛ نور بخش، یونس. (۱۳۹۵). نگاهی انتقادی به آرایه گنورگ زیمل درباره دین، نسبت میان دین و دینداری در جامعه شناسی گنورگ زیمل، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره هشتم، شماره دوم، ص ۳۵-۴۸.
- معمار، ثریا، صمد علی پور و فائزه خاکسار. (۱۳۹۱). شبکه های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تاکید بر بحران هویتی ایران)، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، سال اول، شماره ۴، ۱۷۶-۱۵۵.

منابع انگلیسی:

- Beilhars, Peter, 1996, Negative and Ambivalence: Mars, Simmel and Bolshevism on Money. " Thesis Eleven 47:21-32.
- Carlson, U.: Taylor, Samy; Jacquinet-Delaunay, Genevieve & Tornero, Jose Manual Perez (Eds.) (2008) Empowerment through Education: An Intercultural Dialogue, Sweden: Goteborg University.
- Coser, Levis (ad), 1965, George Simmel, Englewood Cliffs, N. J.; Prentice- Hall.
- Deutschmann, Christoph, 1996, " Money as a Social Construction On the Actuality of Marx and Simmel, "Thesis Eleven 47: 1- 19.
- Etzkorn, K. Peter (ed), 1968, George Simmel: The Conflict in Modern Cultur and Other Essays. New York: Teachers College. Columbia University.
- Frisby, David, 1984, Georg Simmel, Chichester, Eng: Ellis horwood.
- Simmel, George, 1908/1959b, The Problem of Sociologe. "In K. Wolff (ed), Essays in Sociologe Philosophy and Aestgetics. New York: Harper Torchbooks: 310- 336.